



واقعه بدخشان، اوج بی اعتمادی مردم به ارگانهای عدلی و قضائی! 10 اگست 2014

در افغانستان فساداداری در ارگانهای گوناگون منجمله ارگانهای عدلی و قضائی یک پدیده نو نیست. رشوت و واسطه دو اصطلاح آشنا برای مردم افغانستان است که در دوره های مختلف بدرجات گوناگون مورد استفاده قرار داشته اند. در رژیم فعلی درجه فساداداری بخصوص رشوت و اعمال نفوذ زورمندان و مافیای در سطوح ملی و محلی بشکل بیسابقه بالا رفته است. وقتی در ادارات عدلی و قضائی فساد حاکم باشد، مامور ضبط قضائی کار را به درازا میکشاند تا از قانون شکن و حتی از شاکای پول بیشتر بدست آورد. قاضی رشوت خور بعبوض تطبیق قانون مطابق به خواست کسی که رشوت میپردازد یا واسطه دارد، عمل میکند. این حالت مردم را از ارگانهای عدلی و قضائی بشدت دلسرده و مأیوس ساخته است. به همین علت مردم برای رسیدن به عدالت یا برای حل و فصل قضایای متنازع فیه شان در جستجوی بدیل برای پولیس، خرنوالی و محاکم میبرایند. این بدیل از جرگه های محلی آغاز میگردد و در برخی ولایات به محاکم طالبی می انجامد.

آنچه در بدخشان اتفاق افتاد افراطی ترین و غیرمعمول ترین مثال حالت فوق است. آژانس خبری پژواک بتاريخ 9 اگست 2014 از قول احمد نوید فروتن سخنگوی والی بدخشان خبر میدهد که هفته گذشته چینیکه شخصی بنام مولوی صبغت الله بعد از خریدن سودا از بازار راغستان بسوی منزل خویش روان بود، در راه توسط دونفر موتورسایکل سوار کشته شد. پولیس بعد از فعالیت کشفی در محلات ذیربط دونفر مظنون را به اتهام ارتکاب قتل دستگیر نمود. گروهی از مردم خشمگین بعد از به خاک سپاری مولوی، مظاهره کنان بسوی تعمیر قوماندانی پولیس رفته بصورت دسته جمعی داخل تعمیر شدند و افراد دستگیر شده را با وسایل که برای تدفین با خود داشتند و چوب ها لت و کوب نموده کشتند. این حرکت به ذات خود در تضاد با قانون و مدنیت قرار دارد. مطابق به قانون اساسی و سایر قوانین نافذ ما تثبیت جرم، تعیین جزا و تطبیق آن از صلاحیت ارگانهای عدلی و قضائی میباشد. شهروندان حق ندارند تطبیق عدالت را بدست خود بگیرند. مظاهره کنندگان بایست اصولاً منتظر طی مراحل عدلی و قضائی از جانب ارگانهای ذیصلاح میمانند. واقعیت اینست که اعتماد مردم افغانستان نسبت به ارگانهای عدلی و قضائی در طی سیزده سال گذشته گراف نزولی خود را پیموده است. بازگذاشتن دست منسوبین این ارگانه در چپاول اشخاص دخیل در قضایای جزائی و حقوقی و بحران قانونیت طی سیزده سال اخیر کار را به استخوان مردم رسانیده است. بی اعتمادی به ارگانهای عدلی و قضائی بدون شک یکی از علل مهم هجوم گروه معترض به دفتر پولیس و قتل مظنونین بدست خود همین گروه بوده است. چون درین حادثه شاکای یکنفرنه بلکه گروهی از مردم بود، گروه شاکای در خود این توان فیزیکی را میدید تا اتوریته پولیس آلوده به فساد را



نادیده گرفته خشونت را باخشونت جواب بدهد. هرگاه با این واقعه برخورد اصولی و مطابق با مواد قانون جزا و قانون اساسی افغانستان صورت نگیرد، خطر تکرار آن در زماها و مکاتهای دیگر از دید میباید. اگر به فرهنگ قانونشکنی از جانب زورمندان دولتی و غیردولتی پایان داده نشود، انارشیمی که حالا در سطوح بالا وجود دارد، بزودی اقشار پائینی جامعه را نیز فرا میگردد. از سیزده سال بدینسو فرهنگ معافیت زورمندان در کشور ما حاکم است. ناگفته پیداست که این فرهنگ خودسری بی حد و حصر زورمندان، ادامه قدرت ناقصین حقوق بشر و ظهور انواع زرگویان و مافیای در کشور ما شده است. این حالت اقشار مظلوم را دچار بیزاری از ارگانهای دولتی ساخته است. ارگانهای که صرفاً در خدمت زورمندان و مافیای قرار دارند. یگانه راه حل این مشکل پایان دادن به فرهنگ معافیت و تأمین حاکمیت قانون است.

"کمیته حقوق بشر فارو"